

بررسی تشبیه و کارکردهای بلاغی و محتوایی آن در شعر محمد کاظم کاظمی

نازه میر نظری*

حسین سلیمی**

چکیده

تشبیه یکی از اساسی‌ترین و تأثیرگذارترین عنصر صور خیال است که از آن صورت خیال‌های دیگری مانند استعاره، کنایه، مجاز و تشخیص نشاءت می‌گیرد. این عنصر در تصویرگری و تصویرپردازی صورت‌های ذهنی نقش ارزشمندی دارد. محمد کاظمی نیز شاعر تصویرگرا و تصویر آفرین است که به مدد این عنصر برای خلق تصویرهای بکر و خیال‌انگیز و تفکرانگیز به شکل‌های مختلف بهره گرفته است. این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است؛ یعنی تشبیهات اشعار وی از جهت‌های مختلف چون: عناصر تشبیه، تشبیه به اعتبار ادات، به اعتبار وجه شبه، مفرد و مرکب بودن طرفین، محسوس و معقول بودن طرفین و وحدت یا تعدد طرفین، مورد بررسی قرار گرفته و در پایان هر بخش، جدول و نمودار نیز ترسیم گردیده است. این پژوهش نشان می‌دهد که کاظمی از عناصر تشبیه، گرایش بیش‌تری به مفاهیم انتزاعی و عناصر طبیعی داشته در حالی که از لحاظ مشبه‌به، بیش‌تر تشبیهات وی عقلی‌اند. گاه مفاهیم مجرد و انتزاعی را با یاری عناصر طبیعی و ملموس گاه پدیده‌های طبیعی را به مدد تشبیه با عمق‌بخشی به تصویر کشیده است. ضمن این‌که به اعتبار ادات، بیش‌تر تشبیهات کاظمی مجمل و مؤکد هستند از لحاظ تعدد طرفین به تشبیهات مفرد به مفرد و به اعتبار حسی و عقلی، به تشبیهات حسی به عقلی، حسی به حسی و از نظر تعدد طرفین به تشبیهات جمع گرایش بیش‌تری دارد. تشبیهات بلیغ به شکل اضافه تشبیهی در تشبیهاتش وجود دارد این امر در گسترش قلمرو تشبیهات کاظمی نقش خوبی دارند.

کلید واژگان: بلاغت، تشبیه، عناصر تشبیه، محمد کاظمی.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۱- مقدمه

یکی از جلوه‌های ذوق هر شاعر بزرگی تخیلی اوست که شاعر هنرآفرین با روح لطیف و حساس از پدیده‌های زیبای طبیعت متأثر گشته و تصویرهای خیال‌آمیز می‌آفریند. (حسن لی، ۱۳۸۳: ۲۸۲) تجسم این موضوعات ذهنی و عاطفی توسط شاعر موجب می‌گردد تا خواننده بتواند به وسیله روح، شاعر را با اشیاء و مسائل زندگی دریابد که این امر در قالب تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه خودنمایی می‌کند. (رستگار فسایی، ۱۳۶۲: ۱۴) تخیل و تصویرپردازی عرصه‌ی تمرین آزادی و خلاقیت است. این عرصه مجالی است برای آدمی تا با قدرت سحرانگیز خیال، در پدیده‌ها حلول کند و روح خود را در آن‌ها بدمد و جهان را به دلخواه خویش بسازد و عالمی و آدمی از نو بیافریند. (فتوحی، ۱۳۸۹: ۶۴)

از میان این عناصر، تشبیه به‌عنوان مؤثرترین ابزار تخیل «هسته‌ی اصلی و مرکزی خیال‌های شاعرانه است» که نیروی تخیل شاعر در میان اشیاء کشف می‌کنند.

در تقسیم‌بندی زیبایی شعر و نثر فارسی، تشبیه را در زیرمجموعه علم بیان قرار داده و از اصول تصویری و مصادر تعبیر فنی این علم قلم داد کرده‌اند که ذهن را از آنچه پنهان است به چیزی که آشکار است هدایت می‌کند. تشبیه در دوره‌های مختلف مورد توجه شاعران بسیاری واقع شده و آن‌ها با توجه به ذوق، عاطفه، اندیشه، قوه خیال و تأثیرپذیری از میراث ادبی پیش از خود، موفق به خلق گونه‌هایی از تشبیه شده‌اند. مایه اصلی تشبیه، اغراق و خیال‌انگیزی است و این دو عنصر، تشبیه ادبی خیال‌انگیز را از مقایسه‌های ادبی تشبیه گونه متمایز می‌کند. (احمد نژاد، ۱۳۷۴: ۲۹) تشبیه دارای شگفتی و زیبایی است و پایگاه نیکویی در بلاغت دارد. برای این که معانی نهفته را بیرون آورد، دو را نزدیک می‌سازد بر بلندی و وضوح معانی می‌افزاید و آن را جمال و فضل می‌بخشد و به آن جامعه ارجمندی و گران‌قدری می‌پوشاند. (عرفانی، ۱۳۸۸: ۱۲)

کازمی از شاعران مطرح امروز حوزه زبان پارسی است که شعر، نقد و پژوهش‌های ادبی او توجه بسا از علاقه‌مندان عرصه ادبیات پارسی را به خود معطوف داشته است. سروده‌های وی مبین دردها و رنج فراوان مردم است که در درازای دو دهه سنگینی آن را به شانه‌های خویش حس کرده‌اند. شعرهای او دارای مضامین اجتماعی، سیاسی و دینی است و از لحاظ زبان مزیت قابل توجهی را حائز است. آرایش‌های شعری به گونه بسیار خوب و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تصاویر دل‌نشین درسروده‌هایش دیده می‌شود و در کار استفاده از اسطوره مهارت خوبی دارد. در این پژوهش، تشبیه را از جهت‌های مختلف در دو مجموعه‌ای شعری محمدکاظم کاظمی «پیاده آمده بودم» و «شمشیر و جغرافیا» بررسی کرده‌ایم. هدف این مقاله، جایگاه تشبیه، راز و رمز و عناصر آن در شعر محمدکاظم کاظمی است.

۲- پیشینه پژوهش

تشبیه از موضوعاتی است که نخستین پژوهش‌گران اسلامی به آن پرداخته‌اند فی‌المثل المعجم، اسرار البلاغه، ترجمان البلاغه و... هم‌چنین در دوره‌های بعد کتاب‌هایی انوارالبلاغه (۱۳۸۸) اثر محمدهادی مازندرانی، جواهرالبلاغه (بیان و بدیع) (۱۳۸۸) اثر محمد الهاشمی، صور خیال در شعر فارسی (۱۳۶۸) نام کتابی محمدرضا شفیعی کدکنی است. این اثر انتقادی در تطور ایماژهای شعر پارسی و سیر بلاغت در اسلام و ایران را موردبررسی قرار داده است.

بر اشعار محمدکاظم کاظمی پژوهش‌های اندکی انجام شده است. زندگی‌نامه محمدکاظم کاظمی. (۱۳۸۲) «شماره ۴-۵»، فصل‌نامه شعر، اوضاع و احوال زندگی کاظم کاظمی را بیان کرده است. «جست‌وجوی رگه‌هایی از شاهنامه فردوسی در شعر دو تن از شاعران مقاومت افغانستان محمدکاظم کاظمی و سمیع حامد (۱۳۹۵) نام مقاله‌ای است که تأثیر شهنامه بر آثار شاعران مذکور را نشان داده است اما در زمینه‌ای صورت‌های خیال به‌ویژه تشبیه در اشعار «محمدکاظم کاظمی» تا هنوز پژوهشی صورت نگرفته است. بنابراین، انجام پژوهشی جامعه درباره تشبیه در کلام وی ضرورت دارد.

۳- زندگی‌نامه محمدکاظم کاظمی

محمدکاظم کاظمی شاعر، نویسنده، محقق و پژوهش‌گر درزمینه ادب و ادبیات (رفیق، ۱۳۸۹: ۴۵)، فرزند شادروان محمدعلی کاظمی است این نویسنده در زمستان سال ۱۳۴۶ هجری خورشیدی، در شهر باستانی هرات تولد یافته است که اکنون در قید حیات باقی است. کودکی او تا سال ۱۳۵۴ هجری خورشیدی، در هرات گذشت و بعدازآن همراه با خانواده‌اش رهسپار کابل گردید. او تحصیلات دبستانی را در زادگاه و دوره دبیرستان را در لیسه غازی در کابل به پایان رسانید. بنا بر ناهنجاری‌هایی که در کشور عزیزمان افغانستان به وقوع پیوست، نتوانست وارد دانشگاه شود. این امر سبب شد که ایشان رهسپار کشور همسایه ایران گردیده و در مشهد مقدس ساکن شدند؛ و این رویداد مصادف بود با سال ۱۳۶۳ هجری خورشیدی، او در کشور ایران به ادامه تحصیلات خویش پرداخت (قویم، ۱۳۸۷: ۱۹۲). البته در دانشگاه فردوس مشهد فنی مهندسی عمران خوانده است

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(محمدی، ۱۳۸۱: ۱۸۱)؛ و از آنجا فارغ‌التحصیل شد و سند لیسانس به دست آورد.

کاظمی در حقیقت از دهه شصت به شعر روی آورد و از مؤسسان و فعالان انجمن شاعران و دفتر هنر و ادبیات انقلاب اسلامی افغانستان در ایران به شمار می‌رود، او با فصلنامه‌های **دردری** و **خط سوم** همکاری زیاد کرد، کاظمی در شعر به مثنوی و غزل توجه زیاد دارد. شعرهای وی دارای حال و هوای سبک هندی و متأثر نازک‌خیالی‌های این شیوه است؛ اما به طنز تلخ همراه است. کاظمی در نثر نیز دست قوی دارد و کتاب آموزشی روزنه دلیلی استوار بر آگاهی وی به علوم بلاغی قدیم و زبان امروز است. همواره با مثنوی «پیاده آمده بودم» به سر زبان‌ها افتاد و در محافل ادبی، از جمله در میان ایرانیان با ستایش فراوان مواجه شد. از آنچه در بالا گفته آمد، برمی‌آید که کاظمی از شاعران مطرح امروز کشور ماست که شعر، نقد و پژوهش‌های ادبی او توجه بسا از علاقه‌مندان عرصه ادبیات دری را به خود معطوف داشته است. سروده‌های وی مبین دردها و رنج فراوان مردم است که در درازای دو دهه سنگینی آن را به شانه‌های خویش حس کرده‌اند. شعرهای او دارای مضامین اجتماعی، سیاسی و دینی است و از لحاظ زبان مزیت قابل‌توجهی را حائز است. آرایش‌های شعری به گونه بسیار خوب و تصاویر دل‌نشین در سروده هایش دیده می‌شود و در کار استفاده از اسطوره مهارت خوبی دارد.

۴- تشبیه و چستی آن

تشبیه مصدر باب تفعیل است که از برای تعدیه به کار می‌رود، اصطلاح تشبیه در علم بیان به معنی مانند کردن چیزی به چیزی دیگر، مشروط بر این‌که آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد؛ این همانندی صرفاً خیالی باشد نه حقیقی یعنی فقط در ذهن صورت بندد، نه در عالم واقع (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۳). همچنان تشبیه در لغت مانند کردن چیزی است به چیزی دیگر در یک یا چند صفت؛ اما در اصطلاح علم بیان تشبیه ادعای همانندی و اشتراک چیزی است با چیز دیگر در یک یا چند صفت (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۹۲: ۸۵).

کامل احمد نژاد در تعریف تشبیه آورده است: «در تشبیه، لفظ در معنی حقیقی به کار برده می‌شود و اغلب مقصود از آن مبالغه در مدح یا ذم و یا بیان ماهیت و حقیقت چیزی ناشناخته است با تشبیه آن چیزی آشناتر و شناخته‌تر». (نژاد، ۱۳۸۲: ۸۵). شمیسا تشبیه را ادعای ماندگی بین دو چیز می‌داند اگر ساختار جملات تشبیهی دقت کنیم متوجه می‌شویم که معمولاً وجه شبه را ذکر نمی‌کنند؛ زیرا کلام ادبی باید مخیل باشد و اگر وجه شبه را ذکر کنند از مایه‌های تخییل و خیال ورزی کاسته می‌شود. در حقیقت فهمیدن تشبیه و به عبارت دیگر شعر و کلام ادبی درک همین وجه شباهت‌های پنهان و ادعایی است. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۴) تشبیه نخستین و ساده‌ترین راه تفنن بیان معنی است در شعر، نثر و حتی کلام عادی از آن استفاده می‌شود. (نژاد، ۱۳۸۲: ۸۶).

در تقسیم‌بندی زیبایی شعر و نثر فارسی، تشبیه را در زیرمجموعه علم بیان قرار داده و از اصول تصویری و مصادر تعبیر فنی این علم قلم داد کرده‌اند که ذهن را از آنچه پنهان است به چیزی که آشکار است هدایت می‌کند. علم

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بیان عبارت از مجموعه قواعد و قوانینی که به وسیله آنها می‌توان یک معنی را به گونه‌های متعدد بیان کرد؛ به شرط آن که این شیوه‌های گوناگون، در میزان روشنی و پوشیدگی با یکدیگر متفاوت باشند و این تفاوت، مبتنی بر تخیل باشد؛ بنابراین موضوع علم بیان بحث در صورت‌های متفاوت و متمایز خیال است؛ زیرا این صور، وسایلی هستند که به آنها می‌توان یک مفهوم را به شیوه‌های گوناگون بیان کرد. (علوی مقدم و اشرف زاده ۱۳۹۲: ۸۵). تصویر با خیال شاعرانه پیوند میان انسان و محیط او ایجاد می‌کند و شاعر در آفریدن تصویرهای خیال‌انگیز با تبدیل اشیاء به صورت‌های عاطفی و انسانی، کلام خود را فراتر می‌برد و عواطف خواننده را برمی‌انگیزد و شناخت تازه از اشیاء و امور به او می‌دهد.

۵- تشبیه در شعر محمد کاظم کاظمی

عناصر و پدیده‌هایی که در ساختار تشبیه کاظمی نقش داشتند بیش‌ترشان پدیده‌های حسی و عینی‌اند و به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

طبیعت و عناصر طبیعی، بهترین و بزرگ‌ترین دست‌مایه برای تصویرگری و آفرینش تصاویر بدیع است؛ کاظمی نیز از این گنجینه‌ای طبیعی بهره گرفته و ظریف‌ترین حلت‌های روحی و معنوی و آنچه در مدار آن می‌چرخد را به تصویر کشیده است. این‌گونه تصاویر، چه مشبه و چه مشبه‌به حسی به حسی‌اند؛ چون پدیده‌های طبیعی با یکی از حواس پنجگانه درک می‌شوند.

۱-۵- عناصر طبیعی

-مشبه:

اِبْرهای سیه فراوان‌اند (پیاده آمده بودم: ۷) سنگ‌ها چون همیشه خاموش‌اند (همان: ۷) مثل خشکیده برگیم امشب (همان: ۱۴) چون برگ، رها به دامن بادم (تا دورترین ستاره: ۳۷) باد سر زد و شراره پیچید/ مثل محمود قرمطی دیده (همان: ۳۰)

برف شعر سفید است (همان، ۸۱) سنگ گور شهدا سنگ ترازو شده است (همان، ۳۵) در اشعار کاظمی ۸,۶۳ درصد از مشبه و ۱۰,۷۹ درصد از مشبه‌به تشبیهات وی را عناصر طبیعی تشکیل می‌دهد..

= مشبه‌به:

مثل ابر بهار گریه کنیم (پیاده آمده بودم، ۲۲) غروب کردن خورشید را نفهمیدیم (همان: ۵۱) گل پاییز دیده را مانم (همان، ۲۸) کرده چون اشک خانه بر دوشم (همان: ۷) صبح آمد و مثل باد راندند (همان: ۶۹) و درختی که تبر خورد و نیفتاد منم (شمشیر و جغرافیا: ۳۸) چون آب به هر شیار رفته (همان: ۱۳۴) چون کوزه‌های سبزه نفس می‌کشیم به شوق (همان: ۱۵۱) خورشیدوار مظهر تابندگی شدیم شرمندگی (۸۴)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

گیلاس‌ها به سان گلوبند از درخت (همان: ۱۰۷) سنگ گور شهدا سنگ ترازو شده است (همان: ۳۵)

۲-۱-۵- معنویات و مفاهیم مجرد و انتزاعی

پدیده‌های انتزاعی و معنویات، مفاهیم عمیق و درونی‌ای را افاده کرده و از پسته‌ی ظاهری کلام گذار می‌کند. کاظمی برای بیان اندیشه عرفانی و حالت‌های درونی، روحی و معنوی انسانی و همچنان عمق نابسامانی‌های سیاسی و اجتماعی‌ای که در جامعه‌اش وجود دارد به واژه‌گان و ترکیب‌های انتزاعی و ذهنی مانند خصم، تابوت ما، طالع، تقدیر، هفت وادی خطر، پژواک، میزبان مرگ، بیماری و... به کار می‌برد. این نوع تشبیهات بیشتر از لحاظ طرفین حسی به عقلی‌اند؛ زیرا شاعر برای شناخت بیش‌تر مشبه معقول آن را به مشبه‌به محسوس همانند می‌کند. این تشبیه را می‌توان برجسته‌ترین نوع تشبیه دانست که این عنصر از تشبیهات موجود در اشعار وی ۱۷,۲۶ درصد مشبه و ۱۱,۵۱ درصد مشبه‌به را به خود اختصاص داده است.

-مشبه:

ما اگر سستی نمی‌کردیم خصم/ مثل بیماری که جان می‌کند بود (پیاده آمده بودم: ۶۶) مثل تابوت مار شد شاخه (همان: ۳۰) سپاه خصم، نمک‌خوردگان شیطان‌اند (همان: ۱۸) از خون‌دیده و دل خود خینه ساخته (همان: ۱۲۸) همه یخ‌های جهان را، همه را سنجیدیم/ مثل دل‌های فرمرده ما سرد نبود (همان: ۵۸) ولی کنار شما کشتگاه همسایه است/ که مثل طالع دهقان عوض نخواهد شد (شمشیر و جغرافیا: ۹۸) فریاد اگر بلند نشد، نالش است و بس (همان: ۲۹)

-مشبه‌به:

هفت وادی خطر اینجاست سفر سنگین است (شمشیر و جغرافیا: ۳۳) مثل تابوت مار شد شاخه (پیاده آمده بودم، ۳۰) پای تقدیر لنگ می‌شد اینجا (همان: ۲۳) مثل پژواک، خجالت‌کش به برگشتن‌ها (همان: ۶۰) مثل بیماری که جان می‌کند بود (همان: ۶۶) یاران شب ترلنه خولندند/ صبح آمد و مثل باد رلندند (همان: ۶۹) میزبان مرگیم امشب (همان: ۱۴)

۳-۱-۵- اشیاء، ابزارآلات، مکان‌ها

اشیاء، ابزارآلات و مکان‌ها در شعر بیش‌تر شاعران وجود دارد؛ زیرا شاعران با این پدیده‌ها در زندگی‌شان ارتباط نزدیک دارند؛ ولی کاظمی به‌طور ویژه، از اسم مکان‌ها، آلات و اشیاء مانند مسجد و مهرباب، بالش، چشمه، عطر، زنجیر، کاغذ پران، تیغ، صدای زنجیر، خان به دوش، برای تصویرگری و مجسم کردن خیالات و تصویرهای ذهنی‌اش استفاده کرده است. قابل‌ذکر است که بیشتر اسم‌های اشیاء ابزارآلات و مکان‌ها در اشعار کاظمی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حسی‌اند. این عنصر از تشبیهات موجود در اشعار وی ۷,۹۱ درصد از مشبه، ۸,۶۳ درصد از مشبه‌به را به خود اختصاص داده است.

-مشبه:

شکر خدا که مهرباب مسجد و مهرباب شهر نیز/ یک‌باره پوست‌کنده بگویم دوکان شدند (همان:۵۵) تیغی که زیر سر بنهی، بالش است و بس (همان، ۲۹) ای خفته در نگاه تو صد کشور آیینه (پیاده آمده بودم:۲۶) چون لبان مردگان خشکید هر جا چشمه بود (همان:۳۵) سنگ‌ها چون همیشه خاموش‌اند ضربه تازیانه بر دوشم (همان، ۷) گل چیدم اگر مثنوی عطر سرودم (شمشیر و جغرافیا: ۴۵)

از اشک‌های یخ‌زده آینه ساخته (شمشیر و جغرافیا:۱۲۸) عاقبت زنجیر ما را چون کلاف/بافت محکم این عمو زنجیرباف (همان:۱۳۹) چنان خشت‌های لای دیوار مار را (سیاوش:۵۷)

-مشبه‌به:

شما کاغذ پران بازید و ما کاغذ پران اینجا (شمشیر و جغرافیا: ۱۴۱) یک‌باره پوست‌کنده بگویم دوکان شدند (همان:۵۵) تیغی که زیر سر بنهی، بالش است و بس (همان: ۲۹) عاقبت زنجیر ما را چون کلاف/ (همان:۱۳۹) کرده چون اشک خانه بردوشم (پیاده آمده بودم:۷) چون لبان مردگان خشکید هر جا چشمه بود (همان:۳۵) گویی از قعر چاه می‌آیند (همان:۸) عمری است که چون صدای زنجیر/در کوچه بی‌کسی روانیم (همان:۶۴) مثل تسبیح دانه‌دانه شدیم/به‌سوی شهرها روانه شدیم (همان: ۳۰)

۴-۱-۵-عناصر و شخصیت‌های تاریخی

شخصیت‌های تاریخی در میسر بخشی روایت‌های تاریخی و بیان واقعیت‌های امروزی نقش شایسته‌ای دارند. کاظمی برای بیان اوضاع روزگارش تنها از پدیده‌های طبیعی و حالت‌های درونی بهره نمی‌گیرد؛ بلکه، نیم‌نگاهی به تاریخ گذشته نیز دارد وی گاه اوضاع ناگوار جامعه‌اش را مثل محمود قرمطی دیده و گاه چهره شهرش را به شهر چنگیز دیده مانند کرده است. کاظمی شاعر ناامید نیست بلکه امیدوار به افق‌های روشن و دور است. از همین رو، مردم را برای مبارزه در برابر نابرابری‌ها و پلشتی‌ها اجتماعی فرامی‌خواند این قماش تشبیهات بیش‌تر در مشبه‌به جا گرفته‌اند شاید دلیل این‌گونه بیان، به تصویر کشیدن مفاهیم انتزاعی و ذهنی باشد. قابل‌ذکر است که ۹,۳۵ درصد مشبه‌به اشعار کاظمی را شخصیت‌های تاریخی تشکیل می‌دهد.

مثل محمود مثل عطار و انوری بودند (پیاده آمده بودم: ۲۹) سیاه‌کار و سیه‌رو، یزید را مانند (همان:۱۹) قرمطی دیده (همان، ۳۰) شهر چنگیز دیده را مانم (همان:۲۸) همانند صوفی انا الحق دهم سر (شمشیر و جغرافیا:۱۶۱) به حيله جنگی اسفندیار خسته منم/ و رستمی که به سیمرغ دل نبسته منم

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(همان: ۸۹) همانند درویش یا هو بگویم (همان: ۱۶۱) چون شاعر **توس** از پی خیر امروز (همان: ۷۹)

۵-۱-۵- زمان، اوقات و سایر فصل‌ها

تصاویر زمان و فصل‌ها در پهنه‌ی خیال کاظمی گوناگون‌اند. کاظمی از زمان؛ پاییز، بهار، اسفند، شب، صبح و ... را در ترسیم صورت‌های خیال خویش بهره گرفته است. این‌گونه تشبیهات بیش‌تر در مشبه و کمتر در مشبه‌به قرار گرفته‌اند. ۸ درصد مشبه تشبیهات کاظمی زمان، اوقات و فصل‌ها تشکیل می‌دهد.

-مشبه:

گل پاییز دیده را مانم (پیاده آمده بودم: ۲۸) مثل **ابر بهار** گریه کنیم (همان: ۲۲) یاران شب ترانه خواندند/ **صبح آمد** و مثل باد رانند (همان: ۶۹) **صبح تابوت خاکستر ماست** (همان: ۱۴) **اسفند پسته‌ای** است که مادر می‌آورد (شمشیر و جغرافیا: ۱۴۸)

-مشبه‌به:

اسفند دختری است که آسوده شمشیر و جغرافیا، ۱۴۸) **اسفند کودکی** است که تعطیل می‌شود (همان، ۱۴۶)

۶-۱-۵- دنیا، آخرت و متعلقات آن‌ها

کاظمی از عناصری که در تشبیهات خود استفاده کرده، دنیا، آخرت و متعلقات آن است. کاظمی واژه‌های و واژه‌های مرکب مانند مرگ، میزبان مرگ، تابوت، روزگار، صبح تابوت و... را در اشعارش به کار بسته تا فانی بودن و چرخش این «گند پیر ناپایدار» را بیان کرده است. این عنصر ۳,۵۹ درصد مشبه‌به تشبیهات وی را دنیا، آخرت و متعلقات آن‌ها تشکیل می‌دهد.

با **هیولای مرگ** هم‌دست‌اند (سقف‌های بی دیوار، ۷) مثل خشکیده **برگیم امشب/ میزبان مرگیم** امشب (تبعیدیان، ۱۴) **صبح تابوت خاکستر ماست** (تبعیدیان، ۱۴) (آن روزگارمان گذشت که از برج بامداد (۸۴)

۷-۱-۵- انسان، اعضا و جوارح انسانی

محمد کاظم کاظمی از انسان، اعضا و جوارح انسانی، همچون: دختر، کودک، پای خون‌آلود، لبان مردگان، چهره گرفته، دل فرو مرده، تاجر ورشکسته و ... در اشعارش بهره گرفته است. بیشتر پدیده‌های مذکور در مشبه‌به جا گرفته و از لحاظ طرفین حسی‌اند. قابل ذکر است که ۳,۵۹ درصد از مشبه و ۱۷,۹۴ درصد از مشبه‌به تشبیهات او را انسان و جوارح انسانی تشکیل می‌دهد

-مشبه‌به:

چون **لبان مردگان** خشکید هر جا چشمه بود (پیاده آمده بودم، ۳۵) **چهره‌های** گرفته را مانند (همان، ۷) **اسفند دختری** است که آسوده می‌شود مثل **دل‌های فرو مرده** ما سرد نبود (همان: ۵۸) (شمشیر و جغرافیا،

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱۴۸) اسفند کودکی است که تعطیل می‌شود (همان: ۱۴۸) چون تاجر ورشکسته ناچار (همان: ۱۳۴) اسفند دخترى است که آسوده می‌شود (شمشیر و جغرافیا: ۱۴۸) اسفند کودکی است که تعطیل می‌شود (همان: ۱۴۸) پای خون آلود این راهم، قدم دزدیده‌ام/ سرمه‌ام از خجالت اظهار، دم دزدیده‌ام

۸-۱-۵-درختان، گل‌ها و گیاهان

درختان، گل‌ها و گیاهان جلوه‌های برجسته‌ای طبیعی‌اند. از این پدیده‌ها شاعران برای بیان مقاصد گوناگونی خویش بهره می‌گیرند. کاظمی نیز خودش را با مظاهر طبیعی وصله زده، خودش را به گل پاییز دیده، درختی تبر خورد، گل خشکیده و... همانند کرده است. قابل ذکر است که بیش‌تر مشبه‌به تشبیهات کاظمی از درختان، گل‌ها و گیاهان است. وی کوشیده، مفاهیم انتزاعی را با این رویکرد حسی و ملموس بسازد. این عنصر ۴,۳۱ درصد مشبه‌به تشبیهات کاظمی را تشکیل می‌دهد.

-مشبه‌به:

گل پاییز دیده را مانم (پیاده آمده بودم): مثل خشکیده برگیم امشب (همان: ۱۴) گیلاس‌ها به‌سان گل‌بند از درخت هر میوه‌ای که دست رساندیم، چوب شد (همان: ۵۰)(شمشیر و جغرافیا: ۱۰۷) و درختی که تبر خورد و نیفتاد، منم (همان: ۳۸) گل چیدم اگر مثنوی عطر سرودم (همان: ۷۹)

نوع تشبیه	معنویات و مفاهیم مجرد و انتزاعی	اشیاء، ابزارآلات، مکان‌ها	زمان، اوقات و سایر فصل‌ها	عناصر و شخصیت‌های تاریخی	دنیا، آخرت و متعلقات آن‌ها	انسان و جوارح آن	درختان، گل‌ها و گیاهان	تعداد	درصد
۲۷	۴۰	۲۳	۱۲	۱۳	۵	۱۳	۶	۱۳۹	۱۰۰
۱۹,۴۲	۲۸,۷۷	۱۶,۵۴	۸,۶۳	۹,۳۵	۳,۵۹	۹,۳۵	۴,۳۱		

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تشبیه در زبان فارسی گاه با ذکر هر یک از ادات و وجه شبه و گاه بدون ذکر هر یک از آن دو صورت می‌گیرد. اگر وجه شبه در تشبیه وجود داشته باشد آن را مجمل گویند. اگر ادات تشبیه در جمله وجود داشته باشد، آن تشبیه را مرسل ((صریح)) و اگر وجود نداشته باشد، آن را مؤکد گویند؛ بنابراین دیدگاه، تشبیه به چهار دسته تقسیم می‌گردد:

۲-۵- تشبیه به اعتبار ادات

۱-۲-۵- مرسل

اگر ادات تشبیه ذکر شود تشبیه را مرسل یا صریح می‌گویند. (احمد نژاد، ۱۳۷۴: ۸۷)

سی و نو مورد

ما اگر سستی نمی‌کردیم خصم/ مثل بیماری که جان می‌کند بود

(پیاده آمده بودم، ۶۶)

در این بیت غلبه نکردن بر خصومت؛ به مرض جانکاه یا مهلک تشبیه گردیده است. ستون‌های تشبیه در این بیت از قرار ذیل است. خصم- مشبه؛ بیماری- مشبه‌به؛ مثل- ادات تشبیه؛ جان‌کندن - وجه شبه؛ از این‌که ادات تشبیه ذکر گردیده است، این تشبیه را مرسل خوانند.

مثل تسبیح دانه‌دانه شدیم/ به‌سوی شهرها روانه شدیم

(همان، ۳۰)

شاعر در این بیت، بی اتحادی و شقاقی که میان مردم وجود دارد را به دانه‌های تسبیح تشبیه کرده است؛ بنابراین ارکان تشبیه قرار ذیل است: شاعر و هم‌وطنانش و همچنان روان شدن سوی شهرهای مختلف- مشبه؛ تسبیح- مشبه‌به؛ متفرق بودن- وجه شبه؛ مثل- ادات تشبیه؛ از این‌که در تشبیه فوق ادات تشبیه ذکر شده است، این تشبیه را مرسل و صریح نامند.

۲-۲-۵- تشبیه مؤکد

ممکن است در تشبیه ادات ذکر نشود که در این صورت تشبیه مؤکد یا تشبیه بالکنایه یا تشبیه محذوف می‌گویند. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۵-۳۴) حذف ادات که اندک‌اندک تشبیه را به استعاره نزدیک می‌کند، عاملی است برای پرتاثیر کردن و نیرو بخشیدن به تشبیه؛ زیرا اغراض اصلی از تشبیه عینیت بخشیدن به دو چیز مختلف است. (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۵۶)

شکر خدا که مسجد و مهراب شهر نیز/ یک‌باره پوست‌کنده بگویم دوکان شدند

(شمشیر و جغرافیا، ۵۵)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شاعر در این سروده خویش مسجد را که نقطه اتصال تمام اقشار جامعه است، به دکان تشبیه کرده است. پایه‌های تشبیه در بیت بالا از این قرار است:

مسجد و مهرباب: مشبه؛ دوکان: مشبه‌به؛ نقطه اتصال یا رفت و برگشت مردم - وجه شبه؛
بر اساس این که ادات تشبیه در این بیت حذف شده است، تشبیه را مؤکد خوانند.

۳-۵- تشبیه به اعتبار وجه شبه

۱-۳-۵- تشبیه مفصل

«اگر وجه شبه، یا آنچه وجه شبه را بفهماند ذکر شود، آن تشبیه را مفصل گویند». (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۹۲: ۸۷) و در تشبیه مفصل گاه از باب مسامحه به جای وجه تشبیه وصفی مذکور می‌شود که مستلزم اوست (مازندرانی، ۱۳۷۶: ۲۶۳)

اردیبهشت می‌رسد و تاب می‌خورند/ گیلاس‌ها به سان گلوبند از درخت

(شمشیر و جغرافیا، ۱۰۷)

تاب خوردن گیلاس به درخت به گلوبند مانند شده است؛ یعنی؛ گیلاس‌ها: مشبه؛ گلوبند: مشبه‌به؛
تاب خوردن آن‌ها در درخت - وجه شبه؛ به سان - ادات تشبیه؛
از جهت این که وجه شبه در این تشبیه ذکر گردیده است، این تشبیه را مفصل می‌خوانند.
در سراشیب وحشت گریزان/ مثل اشک‌اند افتان و خیزان

(پیاده آمده بودم، ۱۶)

شاعر در این بیت خویش گریز مردم را از انتحار، انفجار به ریختن قطره قطره اشک از چشم تشبیه کرده است؛ یعنی؛ گریز مردم و وحشت‌زدگی آنان مشبه؛ اشک: مشبه‌به؛ افتان و خیزان - وجه شبه؛ مثل - ادات تشبیه؛
در بیت فوق وجه شبه افتان و خیزان یا متواری شدن ذکر گردیده است بنابراین، این تشبیه را مفصل خوانند.

۲-۳-۵- تشبیه مجمل

تشبیه مجمل آن است که وجه شبه مذکور نبوده باشد و این قسم شیوعش بیش است؛ و وجه شبه در تشبیه مجمل یا ظاهر است... و یا خفی (مازندرانی، ۱۳۷۶: ۲۶۲) اگر در تشبیه وجه شبه نیاید، آن را تشبیه مجمل خوانند، اشراقی، ۱۳۹۵: ۵۷). «ز نظر تئوری ادبیات تشبیه مجمل از تشبیه مفصل بهتر است.» (شمیسا، ۱۳۸۶: ۶۸).

ابرهای سیاه فراوانند/ چهره‌های گرفته را مانند

(پیاده آمده بودم، ۷)

در این بیت کاظمی ابر سیاه را به چهره گرفته تشبیه کرده است. ارکان تشبیه از این قرار است:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ابر سیاه: مشبه؛ چهره: مشبه‌به؛ تاریکی در ابر و ترشی در چهره: وجه شبه است که ذکر نشده است؛ مانند- ادات تشبیه؛

از جهت این که وجه شبه در این تشبیه ذکر نگردیده است؛ این تشبیه را مجمل خوانند.

۴-۵- تشبیه بلیغ

تشبیهی است که مانروی (ادات تشبیه) و مانواژ (وجه شبه) هیچ‌یک در آن آورده نشده باشد. به سخنی دیگر، تشبیه رسا از سوئی مجمل و از دیگر سوی استوار است. گاه تشبیه رسا در آمیغی بر افروزده (ترکیب اضافی) به‌کار برده می‌شود؛ بدان‌سان که یکی از دو سوی تشبیه به دیگری بر افروزده می‌گردد. این آمیغ همان است که دستور زبان آن را اضافه‌ی ((تشبیهی)) می‌خوانند. (کزازی، ۱۳۶۸: ۷۵)

اگر هم ادات تشبیه وهم وجه شبه حذف شود، تشبیه بلیغ (مؤکد و مجمل) است که رساترین و زیباترین شکل تشبیه است و تأثیر آن از انواع دیگر بیشتر است. چراکه ادعای همانندی و اشتراک بین مشبه و مشبه‌به در این نوع از تشبیه قوی‌تر است تا آنجا که برخی، این نوع از تشبیه را استعاره دانسته‌اند و چنین استدلال کرده‌اند که در این‌گونه تشبیهات، ادعای یکسانی و یگانگی مشبه و مشبه‌به مطرح است، نه ادعای همانندی و اشتراک بین مشبه و مشبه‌به در یک یا چند صفت. (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۹۲: ۸۸).

از اشک‌های یخزده آینه ساخته/ از خون‌دیده و دل خود خینه ساخته (شمشیر و جغرافیا، ۱۲۸)

سرودگر این بیت، اشک‌های یخزده را به آینه و خون‌دیده را به خینه (حنا) مانند کرده است.

بنابراین، ارکان تشبیه این‌هايند: اشک: مشبه؛ آینه: مشبه‌به؛ سردی و سختی - وجه شبه؛ در بیت دوم؛

خون‌دیده و دل: مشبه؛ حنا: مشبه‌به؛ رنگ سرخ - وجه شبه؛ چنان‌که مشاهده کردیم ادات تشبیه و وجه شبه در این بیت ذکر نشده است. از این‌رو، این ادعای همانندی را تشبیه بلیغ می‌خوانند.

در شعر کاظمی تشبیهات بلیغ هم به‌صورت اضافه مشبه‌به مشبه‌به و هم اضافه مشبه به‌به مشبه وجود دارد.

۱-۴-۵- اضافه تشبیهی

اضافه تشبیهی، تشبیهی است که در آن مشبه و مشبه‌به به هم اضافه‌شده باشد و در این صورت ادات تشبیه و وجه شبه محذوف است. مثل قد سرو (اضافه مشبه، به مشبه‌به) یا لعل لب (اضافه مشبه‌به به مشبه). (شمیسا،

۱۳۸۳: ۴۵)

در تشبیهات بلیغ کاظمی، مشبه، بیش‌تر عقلی و مشبه‌به حسی‌اند؛ زیرا کاظمی می‌خواهد مفاهیم انتزاعی و ذهنی را ملموس و حسی نشان دهد. قابل‌ذکر است که در این نوع تشبیهات طرفین تشبیه حسی به حسی نیز هستند.

در این تشبیهات کاظمی ۲۵، ۹ مشبه، به مشبه‌به و ۷، ۹۲ در صد مشبه‌به به مشبه اضافه‌شده است.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱-۴-۱-۵- اضافه مشبه، به مشبه به

خضم سیه کار (۲۱) باد سینه سوخته (۴۶) فصل فاجعه (۵۹) طبل رعد (۷۳) طالع بی پیر (۱۴۱) سپاه ننگ (قبیله آتش نژاد، ۶۲) چاه مذلت (۵۷) سپاه خصم (۱۸) چشمه‌ی شیرین بهشتی (۷۳) مثنوی عطر (۷۹) درختان جفا (۸۰) جامه شرم (۱۳۴) پرده آبرو (۱۲۳) پسته‌ی خندان (۱۴۸) دشت دشنه‌ی قرآن (۲۰) زخم وامانده خصم (۶۲) گنبد زر (۱۶۲) گاو طلا (کفران، ۴۹) صخره زر (کفران، ۴۹) توفان سفر (در سوگ آیینه، ۲۵) گروه فخر، (قبیله آتش نژاد، ۶۲)

۲-۴-۱-۵- اضافه مشبه به مشبه

طلسم غربت (۷۹) صبح لبخندی (۲۱) بانک حادثه (۲۸) هیولای مرگ (۷) صبح تابوت (۱۴) زال شعر من (۱۵۲) توفان سفر (در سوگ آیینه، ۲۵) دل آیینه (۲۳) کشور آیینه (۲۶) مصر رؤیا (۱۴۳) پای تقدیر (اهل بیت، ۲۲) خشم دندان شکن صخره سخت (احد، ۳۸) (آتش عصیان (کفران، ۴۸) چهارده خوان آتش (۵۷) پیک نوروز (۷) هرم سرنوشت (۵۰)

۳-۴-۱-۵- عقلی به حسی

چاه مذلت (۵۷) سپاه خصم (۱۸) چشمه‌ی شیرین بهشتی (۷۳) مثنوی عطر (۷۹) درختان جفا (۸۰) کاسه چشمان (۱۱۱) شال سفید بهمن اسفند (۱۰۷) جامه شرم ۱۳۴ پرده آبرو (۱۲۳) مصر رؤیا (۱۴۳) پسته‌ی خندان (۱۴۸) صبح تابوت (۱۴) دشت دشنه‌ی قرآن (۲۰) پای تقدیر (اهل بیت، ۲۲) زخم وامانده خصم (۶۲)

۴-۴-۱-۵- حسی به حسی

دل آیینه (۲۳) کشور آیینه (۲۶) زال شعر من (۱۵۲) آیینه شهر (۱۶۲) گنبد زر (۱۶۲) گاو طلا (کفران، ۴۹) صخره زر ((کفران، ۴۹) توفان سفر (در سوگ آیینه، ۲۵) خشم دندان شکن صخره سخت (احد، ۳۸)

جدول و نمودار آماری تشبیه با اعتبار ادات و وجه شبه

نوع تشبیه	مرسل	مؤکد	مفصل	مجمل	بلیغ	مجموع
تعداد	۳۹	۶۱	۱۴	۶۸	۴۵	۲۲۷
	۱۷,۱۸	۲۶,۸۷	۶,۱۶	۲۹,۹۵	۱۹,۸۲	۱۰۰

۵-۵- انواع تشبیه به اعتبار مفرد و مرکب بودن طرفین تشبیه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

از منظر مفرد و مرکب بودن طرفین تشبیه (مشبه، مشبه‌به) تشبیه در اشعار کاظمی به شکل مفرد به مفرد، مفرد به مقید، مفرد مقید به مفرد مقید، مفرد مقید به مفرد مجرد تقسیم می‌شوند.

۱-۵-۵- مفرد به مفرد

به این صورت که یا مشبه و مشبه‌به تنها یک کلمه و بدون وابسته (مضاف‌الیه و صفت) هستند. (نژاد، ۱۳۸۲: ۹۰). به چیزی گفته می‌شود که به‌طور معمول با یک کلمه نشان داده می‌شود: گل، درخت، کوه. (اشراقی، ۱۳۹۵: ۵۰).

اردیبهشت می‌رسد و تاب می‌خورند / گیلاس‌ها به‌سان گلوبند از درخت (شمشیر و جغرافیا، ۱۰۷)
در این بیت، تاب خوردن گیلاس‌ها به درخت به گلوبند مانند شده است. گیلاس‌ها: مشبه گلوبند: مشبه‌به

۲-۵-۵- مفرد به مقید

تصویر و تصور مفرد است که مقید به قیدی باشد، مثل: جام بلورین، لولو منظوم، کشتی سرنگون که مقید به قید وصف‌اند، یا کتاب گلستان، باد بهار که مقید به قید اضافه‌اند و زنگی در حال بازی و درختی که برگ آن می‌ریزد که مقید به قید حال‌اند. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۰)

چون لبان مردگان خشکید هر جا چشمه بود / زاد راه شرمساری بس که نم دزدیده‌ام (پیاده آمده بودم، ۳۵)
چشمه: مشبه مفرد؛ لبان مردگان: مشبه‌به مفرد مقید

خشکیدن چشمه که مفرد است به لبان مردگان که مفرد مقید است تشبیه شده است.

افزون بر این تناسب زیبایی میان کلمات چشمه و نم وجود دارد.

۳-۵-۵- مفرد مقید به مفرد مقید

در این نوع تشبیه، هم مشبه و هم مشبه‌به مفرد مقید هستند. کاظمی در این نوع تشبیهات بر

توصیفی و تخیلی بود اشعارش می‌افزاید.

سنگ گور شهدا سنگ ترازو شده است (احد، ۳۵)

کاظمی در این بیت، با چشم‌داشت این که به خون شهدا بی‌حرمتی و اهانت روا داشتند؛ سنگ گور شهدا را به سنگ ترازو تشبیه کرده است.

سنگ گور شهدا مشبه: مفرد مقید؛ سنگ ترازو: مشبه‌به مفرد مقید

۴-۵-۵- مفرد مقید به مفرد مجرد

یعنی مشبه مرکب باشد و مشبه‌به مفرد که ممکن است مفرد مجرد یا مفرد مقید باشد. (علوی مقدم و

اشرف زاده، ۱۳۹۲: ۱۰۴)

آن روزمان گذشت که از برج بامداد / خورشیدوار، مظهر تابندگی شدید (شمشیر و جغرافیا، ۸۴)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شاعر گذار و عبور از روز افتخار و بالندگی را به تابندگی خورشید همانند کرده است. بنابراین، ارکان تشبیه از این قرار است.

آن روزمان: مشبه مفردمید؛ خورشید: مشبه به

۵-۵-۵- مرکب به مفرد

یعنی مشبه، مرکب باشد و مشبه به مفرد که ممکن است مفرد مجرد یا مقید باشد: (علوی مقدم و

اشرف زاده، ۱۳۹۲: ۱۰۴)

خشک و بی برگ و بار شد شاخه/ مثل تابوت مار شد شاخه (پیاده آمد بودم، ۳۰)

خشک و بی برگ و بار شدن شاخه: مشبه؛ تابوت مار مفرد: مشبه به

افزون بر این واج آرای قشنگی «ا» هم به کار رفته است.

۶-۵-۵- فرد به مرکب

در تشبیهات مرکب قرینه سازی مراعات می شود یعنی اجزایی از مشبه به در مقابل اجزایی از مشبه قرار

می گیرد. در تشبیه مفرد به مرکب، مشبه به معمولاً مرکب اسمی (دوجزئی) است و در این صورت، مشبه در ذهن

به دو جزء بسط می یابد. (شمیسا، ۱۳۸۱: ۸۴)

یعنی مشبه مفرد باشد و مشبه به مرکب؛ البته این مفرد ممکن است مجرد باشد یا مقید. علوی مقدم و اشرف

زاده، ۱۳۹۲: ۱۰۳)

آن که با کاسه پس خورده نشد شاد منم/ و درختی که تبر خورد و نیفتاد، منم

(شمشیر و جغرافیا، ۳۸)

کاظمی خودش را به کسی که با کاسه پس خورده شادمان نشده و مانند درخت تیر خورده اما استوار

ایستاده، شبیه دانسته است.

شاعر: مشبه: درخت تبر خورده مشبه به؛ ایستادگی و مقاومت، وجه شبه؛ شاعر مفرد مجرد بوده و درخت

تیر خورده مرکب است

۶-۵-۵- مفرد مقید به مرکب

در این نوع تشبیه، مشبه، مفرد مقید و مشبه به مرکب است.

راوی از رایحه گل نفسش آگنده است /خبر این بار خبر نیست، بهاری زنده است کاظمی، ۱۳۹۲: ۱۴)

راوی از رایحه گل مشبه؛ بهار و بوی گل مشبه به؛ خوشبوی و عطراگین بود- وجه شبه؛

اول شاعر رایحه راوی را آگنده از گل می داند ولی سپس از این گفته خویش انکار می کند و به فرارسیدن بهار

زنده و عطراگین مانند می کند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۷-۵-۵- مرکب به مرکب

تشبیهی است که پایه‌های تشبیه در آن از دو یا چند چیز که باهم آمیخته اند گرفته می‌شود. (اشراقی، ۱۳۹۵: ۵۳) یعنی هیئت متنوع از چند چیز است. با زبان امروز، تابلو و تصویری است ذهنی که چند چیز در به وجود آمدن آن توأمان نقش داشته باشند. مثلاً: دزد مفرد اما دزدی که در حال بیرون آمدن از کمینگاه است و سرش خونین است مرکب است. در تشبیه مرکب جایز نیست که طرفین را تک تک به‌عنوان مشبه و مشبه‌به در نظر گیریم. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۰)

یعنی مشبه و مشبه‌به هر دو هیئتی مرکب از چند صورت ذهنی باشند.

باز ماییم و قدم‌سای به سر گشتن‌ها/ مثل پژواک، خجالت کش به برگشتن‌ها (پیاده آمده بودم، ۶۰)

شاعر در این بیت، حرکت بی‌هدف مردم با عدم برنامه‌ای منتظم منطقی را به برگشت دوباره‌ی صدا

آن‌هم خجالت‌زده، مانند کرده است که پایه‌های تشبیه در این بیت از این قرار است:

قدم زدن و سرگشتن‌ها: مشبه؛ برگشتن پژواک آن‌هم خجالت‌زده: مشبه‌به؛ مثل _ ادات تشبیه؛

از جهت این‌که هر دو طرف تشبیه از چند صورت ذهنی تشکیل شده است؛

این تشبیه را تشبیه مرکب به مرکب خوانند.

ای شمایان علم گور کسان برده به دوش!! آن‌چنانی که برد نعش برادر قابیل (شمشیر و جغرافیا، ۷۴)

مجموع	مرکب به مرکب	مفرد مقید به مرکب	مفرد به مرکب	مرکب به مفرد	مفرد مقید به مفرد مجرد	مفرد مقید به مفرد مقید	مفرد به مقید	مفرد به مفرد	نوع تشبیه
۷۸	۱۰	۳	۵	۴	۶	۵	۹	۳۶	تعداد
۱۰۰	۱۲,۸۲	۳,۸۴	۶,۴۱	۵,۱۲	۷,۶۹	۶,۴۱	۱۱,۵۳	۴۶,۱۵	درصد

۶-۵- تشبیه به اعتبار طرفین (حسی و عقلی)

از جهت حسی و عقلی بودن طرفین تشبیه چهار حالت دارد یا هردو حسی هستند و هردو عقلی هستند و یا مشبه عقلی و مشبه‌به حسی است مقصود از حسی یا محسوس بودن آن است که با یکی از حواس پنجگانه قابل حسی بینایی، شنوایی، چشایی و بساوازی ادراک می‌شوند. (نژاد، ۱۳۸۲: ۸۸).

۱-۶-۵- تشبیه حسی به حسی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

یعنی هم مشبه و هم مشبه‌به از امور حسی باشند. (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۹۲: ۹۵).

سینه این خلق سنجیدم ز خارا بدتر است (پیاده آمده بودم، ۴۲)

در این بیت، کاظمی میزان سختی و قساوت سینه مردم را سخت‌تر از خارا تشبیه کرده است.

سینه این خلق: مشبه؛ خارا مشبه‌به

حرف ناگفته و لب دوخته ماییم ای قوم/ آتش ناخورده دهن سوخته ماییم ای قوم (شمشیر و جغرافیا، ۵۰)
کاظمی خموشی و از دست دادن آزادی مردمش را به کسانی که آتش ناخورده، دهن‌شان سوخته همسان دانسته است.

سخن ناگفته و لب دوخته: مشبه؛ آتش ناخورده و دهن سوخته: مشبه‌به

۲-۶-۵- تشبیه حسی به عقلی

یعنی مشبه، حسی و مشبه‌به از امور عقلانی و از کیفیات نفسانی باشد. (علوی مقدم و اشرف

زاده، ۱۳۹۲: ۹۸).

مثل خشکیده برگیم امشب/ میزبان مرگیم امشب (پیاده آمده بودم، ۱۴)

شاعر در این بیت، اوضاع و احوال زندگی خود و آدمیان سرزمینش را به برگ خشک پاییز، آن‌که آخرین نفس‌هایش را می‌کشد و همچنان در مصراع دوم مرگ را مهمان و خودشان را میزبان دانسته است.

بناء ارکان تشبیه از این قرار است: شاعر: مشبه؛ خشکیده برگ و میزبان مرگ: مشبه‌به

شاعر از امور حسی و میزبان مرگ عقلی است. از همین رو این تشبیه حسی به عقلی است.

۳-۶-۵- تشبیه عقلی به حسی

یعنی مشبه از امور عقلانی و کیفیات انسانی باشد و مشبه‌به از امور حسی. (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۹۲: ۹۷).

شهد گل کرد و تشهد به فراموشی رفت/ نستعین آمد و نعبد به فراموشی رفت (شمشیر و جغرافیا، ۴۹)

در مصراع اول گل کردن شهد و فراموشی تشهد به آمدن نستعین و فراموشی نعبد همانند شده است.

گل کردن شهد و فراموشی تشهد: مشبه؛ آمدن نستعین و فراموشی نعبد: مشبه‌به

چه شد که طی شدن عید را نفهمیدیم/ غروب کردن خورشید را نفهمیدیم (پیاده آمده بودم، ۵۱)

سرایشگر این بیت، سپری شدن روزهای عید را به غروب خورشید مانند کرده است؛ بنابراین پایه‌های تشبیه

از این قرار است:

سپری شدن عید- مشبه؛ غروب خورشید- مشبه‌به؛ ناپدید شدن- وجه شبه؛

از این‌که سپری شدن از امور عقلی بوده و مشبه‌به توسط حواس پنج‌گانه قابل‌درک است، این تشبیه را عقلی به

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حسی خوانند.

۴-۶-۵- تشبیه عقلی به عقلی

یعنی مشبه و مشبه‌به هردو از امور عقلانی و کیفیات انسانی باشد. (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۹۲: ۹۹).

ما اگر سستی نمی‌کردیم خصم/ مثل بیماری که جان می‌کند بود

(پیاده آمده بودم، ۶۶)

در این بیت غلبه نکردن به دشمن؛ به مرض جانکاه و مهلک تشبیه گردیده است. ستون‌های تشبیه در این

بیت از قرار ذیل است. خصم: مشبه؛ بیماری که جان می‌کند: مشبه‌به؛ مثل-ادات تشبیه؛

خصم و بیماری که جان می‌کند از امور عقلی‌اند.

۷-۵- تشبیه خیالی و وهمی

از فروع بحث تشبیهی که مشبه‌به آن عقلی است بحث تشبیه خیالی و وهمی است. یکی از امکاناتی که شاعر

درآوردن مشبه‌به عقلی دارد این است که هیئت و ترکیبی ذهنی بسازد که اجزا آن یا یکی از اجزاء آن حسی

باشد. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۹)

۱-۷-۵- تشبیه خیالی

تشبیه خیالی تشبیهی است که مشبه‌به آن امری غیر موجود و غیرواقعی است که مرکب از حداقل دو جزء است

اما تک‌تک اجزاء آن حسی و موجودند. همایی درباره‌ی تشبیه خیالی می‌نگارد ((اگر مشبه‌به اصلاً وجود خارجی

نداشته باشد، آن را تشبیه وهمی گویند.)) (همایی، ۱۳۸۹: ۱۵۵) مانند، تشبیه چیزی به ماهی زرین یا دریای قیر

که این هیئت‌ها وجود ندارد؛ اما اجزای آن محسوس و موجودند. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۹) در صورتی که اجزا و مواد

مشبه‌به هر کدام به تنهایی وجود خارجی داشته باشد، اما ماهیت مرکب آن‌ها مربوط به توهم و تخیل گوینده باشد،

آن را تشبیه خیالی می‌گویند (همایی، ۱۳۸۹: ۱۵۵)

چون خاطره مبهم یک کوچه بن‌بست/ صدبار اگر تازه شوم باز همینم (پیاده آمده بودم، ۴۸)

شاعر: مشبه خاطره مبهم یک کوچه بن‌بست: مشبه‌به

در این چکامه، شاعر خودش را به خاطره مبهم بن‌بست تشبیه کرده است. از آنجایی که خاطره مبهم و کوچه

بن‌بست در عالم خارجی وجود دارد ولی «خاطره مبهم یک کوچه بن‌بست» در عالم خارجی وجود ندارد بنابراین،

این تشبیه خیالی است.

۲-۷-۵- تشبیه وهمی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تشبیهی است که مشبه به غیر موجود آن مرکب از دو جز است که یکی از اجزاء آن وجود خارجی ندارد، مثل تشبیه چیززی به آواز غول یا دندان غول. (شمیسا، ۱۳۸۳: ۳۹) «شفیعی کدکنی» از زبان صاحب طراز نقل می‌کند «هر هنرمند هر قدر در تشبیه خود از زمینه واقعیت به دورتر رود، توانایی او بر خلق خیال و پیوند تصویرها بیشتر خواهد بود و در مواردی که عناصر خیال، واقعی یا نزدیک به واقعیت باشد، بی‌گمان آن خیال‌ها به‌زودی مبتذل می‌شود.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۸: ۶۳)

مرد خود باش، قفا خورده تناور شده است/ این دروغی است که لج کرده باور شده است
 اژدهای است که آتش به دهن می‌خیزد/ سومناتی است که محمود شکن می‌خیزد (کفران، ۵۳)
 در این دو مصراع، کاظمی شخصی را به اژدهای آتش به دهن و سومناتی محمود شکن شبیه دانسته است. ظاهراً اژدهای آتش به دهن وجود خارجی ندارد از همین رو، این تشبیه، وهمی است.
 آن شخص: مشبه؛ اژدهای آتش به دهن و سومناتی محمود شکن: مشبه به
 اینک این ما و سری، لعنت گردن به دوش/ هفت زنجیر که هفتاد من آهن، بر دوش
 هفت رود از بر کوه آمده خون آورده/ اژدها هفت سر تازه برون آورده (شمشیر و جغرافیا، ۳۴)
 به نظر می‌رسد که شاعر تشکیل «هفت حزب سیاسی» را در افغانستان، به هفت زنجیر هفتاد من به دوش، هفت رود خون آورده و سر بیرون آوردن هفت اژدهای تازه، تشبیه کرده است. از این رو، ارکان تشبیه این‌ها اینند: شاعر و هم‌وطنانش: مشبه؛ هفت زنجیر، هفت رود و همچنان برون آوردن هفت سر اژدها: مشبه به؛ وحشتناک و پیچیدگی: وجه شبه
 از آنجایی که هفت زنجیر هفتاد من به دوش، هفت رود خون و هفت اژدهای تازه سر بیرون آورده وجود خارجی ندارد، این تشبیه، وهمی است.

تشبیه به اعتبار طرفین (حسی و عقلی)

نوع تشبیه	حسی به حسی	حسی به عقلی	عقلی به حسی	عقلی به عقلی	خیالی	وهمی	مجموع
تعداد	۲۴	۱۰	۲۳	۲۱	۵	۳	۸۶
درصد	۲۷,۹۰	۱۱,۶۲	۳۱,۳۹	۲۴,۴۱	۵,۸۱	۳,۴۸	

۸-۵- تشبیه به اعتبار وحدت و تعدد طرفین

پژوهشگران دانش‌های بلاغی با در نظر گرفتن شکل و ساختار و تعدد طرفین تشبیه را به چهار نوع بخش کرده‌اند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱-۸-۵- تشبیه جمع

تشبیه جمع آن است که یک مانده به دو یا چند مانسته مانند شده باشد. تشبیه جمع خود دو گونه می تواند داشت:

الف: یا مانده یگانه با هر کدام از مانستگان پیوندی جداگانه دارد؛ به گونه ای که با هر کدام از آن ها تشبیهی جداگانه می توان ساخت.

ب: یا مانده یگانه پیوندی یگانه با همه مانستگان دارد. (همایی، ۱۳۶۸: ۷۸)

مانده ام تشنه، تشنه دور از آب/ کشتی افکنده ام به موج سراب
گل پاییز دیده را مانم/ شهر چنگیز دیده را مانم
(پیاده آمده بودم، ۲۸)

محمد کاظم کاظمی، گیر ماندن و تشنگی خود را به گیر ماندن کشتی در سراب و گل فصل خزان و نیز شهر ویران شده مانند کرده است.

بنابراین، پایه های تشبیه از این قرار است شاعر: مشبه؛ گل پاییز دیده و شهر چنگیز دیده - مشبه به در این شعر، چکامه سرا برای یک مشبه، چند مشبه به آورده است؛ بنابراین، چنین تشبیه را جمع می خوانند. ماییم و - گلابتان به صورت/ صد رای به خون دل خریده/ چون آب به هر شیار رفته/ چون باد به هر طرف وزیده/ در پیش خمیدگان ستاده/ در پیش ستادگان خمیده چون تاجر ورشکسته ناچار/ صدجا، چک بی محل کشیده (شمشیر و جغرافیا، ۱۳۴)

۲-۸-۵- تشبیه یکسان (تسویه)

آن است که چند مانده به یک مانسته مانند شده باشد. پیداست که در تشبیه یکسان پیوند در میانه ی ماندگان چندگانه و مانسته یگانه یکی پیش نمی تواند بود؛ زیرا پیوند ویژگی مانسته است و باز و بسته به آن؛ مانسته نیز، در تشبیه یکسان، یکی بیش نیست. (کزازی، ۱۳۶۸: ۷۹) یعنی آن چند مشبه را به لحاظ حکمی (وجه شبه) یکسان و مساوی در نظر بگیرند

به حيله جنگی اسفندیار خسته منم/ و رستمی که به سیمرغ دل نبسته منم (پیاده آمده بودم، ۸۹)
شاعر: مشبه؛ اسفندیار خسته: مشبه به شاعر: مشبه؛ و رستمی که به سیمرغ دل نبسته: مشبه به در این تشبیه، مشبه (شاعر) یکی است اما مشبه به متعدد؛ بنابراین، این تشبیه تسویه است. تو هم بسان من از ستاره سر دیدی/ پدر ندیدی و خاکستر پدر دیدی/ تویی که کوچه غربت سپرده ای با من/ تو زخم دیدی اگر تازیانه من خوردم/ تو سنگ خوردی اگر آب و دانه من خوردم (همان، ۸۱)
تو: مشبه؛ از ستاره سر دیدی، کوچه غربت سپرده: مشبه به

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۳-۸-۵- تشبیه ملفوف

آن است که چند مشبه و چند مشبه‌به بیاورند، بدین ترتیب که اول همه مشبه‌ها و بعد از آن مشبه‌به‌ها را ذکر کنند و این نوع تشبیه ممکن است در بعض موارد با تشبیه مرکب با مرکب متحد شود. (همایی، ۱۳۸۹: ۱۵۶):
درواقع این‌گونه تشبیه مبتنی بر صنعت بدیعی لف و نثر است.

فریاد اگر بلند نشد، نالش است و بس/ تیغی که زیر سر بنهی، بالش است و بس (شمشیر و جغرافیا، ۲۹)
سرودگر، فریادهای نارسا و ضعیف را به نالش و تیغی که مورد استفاده قرار نگیرد را به بالش تشبیه کرده است؛ بنابراین، فریاد: مشبه؛ نالش: مشبه‌به؛ وجه شبه- صدا؛ و همچنان تیغ: مشبه؛ بالش: مشبه‌به؛ نوع به‌کارگیری- وجه شبه

ما وارثان آینه‌های شکسته‌ایم/ واماندگان قافله‌ای بار بسته‌ایم
رفتی و از بهار چمن ریخت رنگ‌ها/ رفتی و باز بر سرگل خورد سنگ‌ها (پیاده آمده بودم، ۲۵)
سرایشگر و مردم: مشبه؛ وارثان آینه‌های شکسته و واماندگان قافله بار بسته: مشبه‌به

۴-۸-۵- تشبیه جدا (مفروق)

آن است که تشبیه‌ها آن‌چنان در سخن آورده شوند که هر مانده، در کنار مانسته‌ی خود، جا گرفته باشد.
(کزازی، ۱۳۶۸: ۸۰) در اینجا هم چند مشبه و مشبه‌به داریم؛ اما هر مشبه با مشبه‌به خود همراه است (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۸)

پای خون‌آلود این راهم، قدم دزدیده‌ام/ سرمه‌ام از خجالت اظهار، دم دزدیده‌ام
شاعر: مشبه؛ پای خون‌آلود: مشبه‌به؛ شاعر مشبه: سرمه
شاعر خودش را در مسیر مبارزه خسته‌گی ناپذیر می‌داند که این‌که به‌جای کسانی دیگری نیز مسیر دشوار مبارزه را دویده است. همین‌گونه، در مصرع دوم خودش را همچون سرمه‌ای که از خجالت اظهار دم دزدیده، مشابه دانسته است.

تشبیه به اعتبار وحدت و تعدد طرفین

نوع تشبیه	جمع	تسویه (یکسان)	ملفوف	مفروق	
تعداد	۱۰	۶	۴	۵	۲۵
درصد	۴۰	۲۴	۱۶	۹.۶۱	

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نتیجه‌گیری

محمد کاظم کاظمی با اندیشه عمیق و نوآوری شاعرانه‌اش توانسته، تشبیهاتی را خلق کند که در نوع خود کم‌نظیر است. وی با استفاده از تشبیه، دقیق‌ترین و ناب‌ترین لحظات روحی و معنوی خود را به تصویر کشیده، گویی، تمام ابزار و امکاناتی را که تشبیه و عناصر آن به او داده، در خدمت موضوعات سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، تاریخی و... قرار داده است. کاظمی گاه مفاهیم مجرد و انتزاعی را با یاری عناصر طبیعی و ملموس گاه پدیده‌های طبیعی را به مدد تشبیه با عمق‌بخشی به تصویر کشیده است. معنویات و عناصر طبیعی در مشبه و مشبه‌به وی بسامد بالای دارد. تنوع تشبیهات و تشبیهاتی نوین در شعر کاظمی نه‌تنها سبک و زبان شعری او را بلکه قلمرو وسیعی معرفی و شناخت عمیقی وی از پدیده‌ها را نشان می‌دهد. وی در تصویرپردازی‌هایش از عناصر طبیعی، اسم‌های اشیا، مکان، زمان، فصل و شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای کار گرفته است، افزون بر این، از انسان و جوارح انسانی آخرت و متعلقات آن‌ها، درخت، گل و گیاه در به تصویر کشیدن تاریخ و اوضاع اجتماعی و سیاسی زمان خودش نقش دارند.

تشبیهات مؤکد، مرسل و بلیغ بسامد بالای دارند زیرا تشبیه بلیغ در گسترش قلمرو خیال و تشبیه مؤکد نسبت به مرسل هنری‌تر است. تشبیهات مفرد به مفرد نسبت به مرکب به مرکب، تشبیهات حسی به حسی و حسی به عقلی نسبت به تشبیهات عقلی به حسی و عقلی به عقلی، تشبیهات جمع نسبت به تسویه در اشعار کاظمی بیشتر است.

۲۸,۷۷ درصد معنویات مفاهیم مجرد و انتزاعی و ۱۹,۴۲ عناصر طبیعی هستند.

۲۶,۸۷ درصد مؤکد ۱۷,۱۸ درصد مرسل هستند.

۴۶,۱۵ مفرد به مفرد ۱۱,۵۳ درصد، مفرد به مقید ۱۲,۸۲ مرکب به مرکب هستند.

۲۷,۹۰ درصد حسی به حسی ۲۴,۴۱ درصد عقلی به عقلی ولی ۳۱,۳۹ درصد حسی به عقلی

۱۱,۶۲ درصد عقلی به حسی هستند

۵,۸۱ درصد خیالی ۳,۴۸ درصد وهمی

۴۰ درصد تشبیه جمع و ۲۴ درصد تسویه هستند.

فهرست منابع و مآخذ

۱- اشراقی، سید علی محمد. (۱۳۹۵). بیان (زیبایی‌شناسی شعر پارسی دری). چاپ دوم. کابل:

سعید.

۲- احمد نژاد، کامل. فنون (۱۳۷۴) فنون ادبی چاپ دوم تهران: پایا

۳- حسن‌لی، کاووس (۱۳۸۳) گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران. تهران: ثالث

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- ۴- رفیق، محمد رفیق. (۱۳۸۹). زندگی‌نامه شاعران. چاپ سوم. کابل: عابد.
- ۵- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۶۳) تصویر آفرینی در شاهنامه. شیراز: دانشگاه شیراز
- ۶- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۶۸) صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگه
- ۷- شمیسا، سیروس (۱۳۸۱) بیان. چاپ نهم تهران: فردوس
- ۸- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳) بیان و معانی. چاپ هشتم. تهران: فردوس.
- ۹- عرفانی، حسن (۱۳۸۸) جواهرالبلاغه (بیان و بدیع) ترجمه علمی اوسط ابراهیمی، جلد ۲ قم: بلاغت
- ۱۱- علوی مقدم و اشرف‌زاده. (۱۳۹۲). معانی و بیان. چاپ یازدهم. تهران: سمت
- ۱۲- فتوحی، محمود (۱۳۸۹) بلاغت تصویر چاپ دوم تهران: سخن
- ۱۳- قویم، عبدالقیوم. (۱۳۹۵). مروری بر ادبیات معاصر دری. چاپ ششم. کابل: سعید.
- ۱۴- کاظمی، محمد کاظم. (۱۳۷۰). پیاده آمده بودم. چاپ سوم. تهران: سوره مهر.
- ۱۵- کاظمی، محمد کاظم. (۱۳۹۲). شمشیر و جغرافیا. چاپ دوم. مشهد سپیده باوران.
- ۱۶- کاظمی، محمد کاظم. (۱۳۸۲). «زندگی‌نامه محمد کاظم کاظمی». شماره (۴-۵)، فصل‌نامه شعر.
- ۱۷- کزازی، میر جلال‌الدین. (۱۳۶۸) زیباشناسی سخن پارسی (بیان) تهران: نشر مرکز
- ۱۸- محمدی، سید رضا. (۱۳۸۲) پارسی مانده به شب تهران:
- ۱۹- مازندرانی، محمدهادی بن محمد صالح (۱۳۷۴) انوارالبلاغه (در فنون معانی بیان و بدیع) به کوشش محمد غلامی نژاد. تهران: قبله
- ۲۰- نژاد، کامل احمد. (۱۳۸۲). فنون ادبی. چاپ چهارم. تهران: پایا.
- ۲۱- همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹) فنون بلاغت و صناعات ادبی تهران: اهورا

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature